

بررسی نقش فضاهای تعاملات اجتماعی بر کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی*

(مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی سعیدیه، کاشانی، بوعلی و

امام رضا در شهر همدان)

مهندس کمال قره خانی**، دکتر امید دژدار***، دکتر سارا جلالیان****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر باهدف پاسخ به این سؤال که چه رابطه‌ای میان فضاهای اجتماعی‌پذیر و مجتمع‌های مسکونی وجود دارد که باعث افزایش کیفیت زندگی ساکنین می‌شود، صورت گرفته است. بر اساس مدل‌هایی که برای نیازهای انسان ارائه شده‌اند، تعاملات اجتماعی یکی از این موارد ضروری است. پیشینه پژوهش در طراحی محیط نشان می‌دهد که ویژگی‌های کالبدی فضاهای یک مجتمع مسکونی می‌تواند بر میزان مطلوبیت آنها تأثیرگذار باشد. روش تحقیق موضوع به شیوه کمی و میدانی و برای بررسی نمونه‌های موردی، پرسش‌نامه سنجش شاخصه‌ها تنظیم گردید و در بین ساکنین مجتمع‌های مسکونی توزیع شد و اطلاعات به‌دست‌آمده با نرم‌افزارهای SPSS و smartpls تحلیل گردیدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برای بهبود و ارتقای کیفیت زندگی و کمیت فضاهای شهری به‌خصوص مسکونی، نوع طراحی بر اساس اصول و معیارهای اجتماعی و فرهنگی از جمله همسایگی و اجتماع‌پذیری است.

واژه‌های کلیدی

مجتمع مسکونی، تعاملات اجتماعی، اجتماع‌پذیری، کیفیت زندگی.

*این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد کمال قره خانی با عنوان «ایجاد فضای اجتماع‌پذیر در جهت ارتقای کیفیت زندگی مجتمع‌های مسکونی» است که با راهنمایی جناب آقای دکتر «امید دژدار» و مشاوره سرکار خانم دکتر «سارا جلالیان» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان صورت گرفته است.
** کارشناس ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان. (مسئول مکاتبات)
Email: Kamal.gharekhani@gmail.com
***دکتری معماری، عضو هیئت‌علمی تمام‌وقت، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.
Email: odejdar@yahoo.com
****دکتری معماری، عضو هیئت‌علمی تمام‌وقت، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.
Email: jalaliansara@yahoo.com

۱-۱- مقدمه

رفت‌وآمد، تعامل و سایر فعالیت‌های ساکنین مجموعه بر عهده‌دارند. علاوه بر آن پلی هستند که دنیای بیرون و درون یک مجتمع مسکونی را به یکدیگر متصل می‌نمایند و فضاهایی قابل دفاع هستند (نیومن، ۱۳۸۷، ۸۸).

در پژوهش حاضر با مرور سوابق انجام‌شده به نقش فضاهای اجتماع‌پذیر به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارتقای کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی پرداخته شده است. بدین منظور در ابتدا به پیشینه تحقیق و روش تحقیق پرداخته و سپس، ادبیات موضوع مورد استفاده از جهات مختلف مورد بررسی و بیان شده است. در ادامه با توجه به مطالب نظری مطرح‌شده، چهار مجتمع مسکونی در شهر همدان مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در انتها نیز نتایج حاصله ارائه شده‌اند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در باب مسکن و فرآیندهای ساخت‌وساز مسکن و ابعاد مؤثر در فرآیند توسعه‌ی مسکن تحقیق‌ها و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است. در نظریه‌ی هنجاری طراحی محیط اظهارنظرهای زیادی راجع به چگونگی تأثیر طراحی بر تعاملات اجتماعی مردم شده است.

از نظریه‌پردازان بنام در این زمینه می‌توان به جان لنگ اشاره نمود. طبق فصول کتاب «آفرینش‌های نظریه معماری» قابلیت‌های محیط ساخته‌شده برای تأمین فعالیت‌ها، الگوهای تعامل اجتماعی، خلوت و رفتار هم‌جواری همگی در درک ما از الگوهای روابط اجتماعی و طراحی نقش دارند. فرضیه این اظهارنظرها این است که شکل‌گیری مسیرهای حرکت و مکان قرارگیری خدمات مشترک، تعامل اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. موضوع خلوت و قلمرو پای که مربوط به قرارگاه‌های رفتاری است ولی در اینجا به الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های محیط ساخته‌شده توجه دقیق شده است. موضوع به این دلیل مهم است که تعامل اجتماعی و دل‌بستگی مردم با محیط‌های اجتماعی و ساخته‌شده رابطه تنگاتنگ دارند. یکی از مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های فضاهای عمومی در مجتمع‌های مسکونی ایجاد فرصت‌های لازم جهت تعاملات اجتماعی است. هنگامی که مردم با سایر افراد تعامل می‌کنند، رابطه قوی‌تری با مکان و جامعه خود احساس می‌کنند. این عامل با تعیین میزان حضور گروه‌های مختلف اجتماعی، شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی و زندگی در ساعات مختلف شبانه‌روز قابل اندازه‌گیری و ارزیابی است (چرخچیان و همکاران، ۱۳۸۶، ۲۱).

اجتماع‌پذیری در مکان‌های مسکونی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر قرار دارد و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت‌کننده در کنار تأمین آسایش فیزیولوژیکی، ادعای قلمرو، حس

در دنیای امروزی، آپارتمان‌ها به دلیل جدا کردن ساکنین از محیط طبیعی و فضای سبز همیشه مورد انتقاد بوده‌اند. دسترسی ساکنین در طبقات پایین‌تر مجتمع‌های مسکونی به سطح زمین و فضای باز و طبیعی آن به مراتب آسان‌تر از دسترسی افراد به آن در طبقات بالا است. تحقیقات نشان می‌دهند که ساکنین طبقات بالاتر بیشتر احساس محصوریت می‌کنند این جدایی و محصوریت اثرات متعددی بر روان، رفتار و سلامت ساکنین به‌جای می‌گذارد (کشفی و همکاران، ۱۳۹۱، ۳).

تمایل به داشتن روابط متقابل و یا ملاقات کردن یکدیگر نیز نیاز پایه‌ای است، به همین علت انسان را حیوان اجتماعی لقب داده‌اند. آنچه مورد توجه ما است و باید مورد توجه قرار گیرد این است که انسانها چگونه و در کجا با یکدیگر ملاقات میکنند. آیا این برخورد در قهوه‌خانه صورت می‌گیرد یا در کوچه و خیابان، در خانه یا حمام؛ زیرا چگونگی برخورد و ملاقات است که بر ساخت و شکل خانه تأثیر می‌گذارد نه صرفاً ملاقات (راپاپورت، ۱۳۸۹، ۱۱۱). با توجه به چگونگی برخورد و یا شیوه ملاقات در ایران و فرهنگهای مشابه، ملاحظه می‌شود که بعد از محل برخورد، نوع یا چگونگی ملاقات، کیفیت و خصوصیت آن و چگونگی ملاقات کردن بر ساخت و شکل خانه تأثیر دارد. در بسیاری مواقع فضای ملاقات کردن در رابطه با نفس ملاقات و چگونگی آن تعیین می‌گردد؛ که همیشه ارتباط زیادی با تعداد افرادی که یکدیگر را ملاقات میکنند ندارد بلکه می‌تواند تابع ملاکهای دیگری باشد، مثلاً درجه آشنایی یا عدم داشتن شناخت از یکدیگر. (همان، ۱۱۲).

فعالیت‌ها و رفتارهای جاری در فضاهای عمومی از فعالیت‌های محدود، هدفمند و الزامی عرصه‌ی خصوصی، متمایز و فراترند (مسعودی، ۱۳۸۰، ۱۰). معماری باید فضاهایی متمایز برای فعالیت‌های متفاوت فراهم آورد و آنها را به نحوی به هم پیوند دهد که محتوای عاطفی آن، کنش و حیات آدمی در آن فضاها را تقویت کند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۰). فضاهای سبز عمومی هم از دیدگاه تأمین نیازهای زیست‌محیطی افراد وهم از نظر تأمین فضای فراغتی و بستر ارتباط و تعامل اجتماعی آنان جایگاهی درخور اهمیت داشته است (سوزنچی، ۱۳۸۳، ۶). و در ایجاد حس جمعی نقش اساسی را ایفا می‌کنند. البته این فضاها متعلق به تک‌تک ساکنین مجموعه بوده و از این منظر خصوصی تلقی می‌شوند؛ ولی از آنجایی که می‌توانند مورد استفاده تمامی ساکنین نیز قرار بگیرند، حالتی جمعی و عمومی نیز پیدا می‌کنند. بر این اساس می‌توان آنها را نوعی فضاهای نیمه عمومی در نظر گرفت که به‌عنوان گره‌های فعالیتی، نقش مهمی را در

مبانی نظری

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از زمان، مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که از یک‌سو، ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر، ابعاد ذهنی و درونی دارد. از این‌رو، ارائه تعریفی جامع برای آن آسان نیست.

در بیان کلی، کیفیت زندگی به مؤلفه‌های کامیابی یا رضایت‌مندی بیشتر یا کمتر در زندگی مردم مربوط می‌شود. در تعریف کیفیت زندگی می‌توان گفت که کیفیت زندگی دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی چون: رضایت، شادمانی و امنیت را در برمی‌گیرد و در برخی از موارد «رضایت اجتماعی» نیز نامیده می‌شود. کیفیت زندگی ابعاد محیطی را نیز که سنجه‌هایی چون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی را با خود دارند در برمی‌گیرد. جنبه‌های دیگر دربرگیرنده توجه به فرصت‌های اجتماعی، امید و اشتغال، ثروت، اوقات فراغت و اجتماع‌پذیری است (غیاثوند، ۱۳۸۸، ۲۴).

مطالعات صورت گرفته در ادبیات مربوطه، نشان می‌دهد رابطه‌ی ضعیفی بین شاخص‌های عینی کیفیت زندگی و شاخص‌های ذهنی آن وجود دارد. در نتیجه الزاماً نمی‌توان گفت با بهبود در وضعیت شاخص‌های عینی، در وضعیت شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی شهری نیز بهبود حاصل شده است. شاخص‌های ذهنی، شاخص‌هایی هستند که از نظر محقق یا دسته‌ای از محققان بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند و شاخص‌های عینی، شاخص‌هایی هستند که واقعاً و به‌صورت عینی روی کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند. برای مثال، آلودگی هوا، محیط‌زیست ناسالم، عدم وجود فضاهای جمعی در محیط محل سکونت و... از جمله عواملی هستند که به شکل عینی و ملموس روی کیفیت زندگی تأثیر منفی می‌گذارند؛ اما احساس رضایت از زندگی در محیط سکونت و یا احساس لذت از اوقات فراغت عواملی هستند که ذهنی بوده و در کیفیت زندگی انسان‌های مختلف تأثیرات متفاوتی برجا می‌گذارند و باعث افزایش رضایت‌مندی افراد می‌شود (زبردست، ۱۳۸۳، ۳۶).

در این راستا با مطالعه منابع موجود درباره نقش فضاهای اجتماع‌پذیر در بهبود سطح کیفیت زندگی، عوامل مؤثر در این زمینه بررسی می‌شوند که در ادامه پژوهش به این مورد اشاره می‌شود و در انتهای این بخش شاخص‌های اصلی کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی را به‌طور خلاصه بر شکل ۱ نمایش داده می‌شود. شاخص‌های نشان داده‌شده در نمودار شکل ۱، هر کدام از مطالعات صورت گرفته در این زمینه و بر اساس نتایج پژوهش‌هایی که در حوزه کیفیت زندگی صورت گرفته‌اند نوشته شده‌اند و مهم‌ترین آیتم

مالکیت و دریافت عدالت در فضا میسر خواهد بود. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا است (چرخچیان و همکاران، ۱۳۸۶، ۲۲).

بنا به دیدگاه‌های جوزف پی فرکاس، فضای معماری اجتماع‌پذیر را مؤلفه‌ای مهم در تعامل انسان با دیگران دانسته است. همچنین فضای کالبدی به‌مثابه سامانه‌ای فضایی عمل می‌نماید که مشخصه‌های این سامانه فضایی بر تعاملات جمعی کاربران مؤثر است (معماریان، ۱۳۸۸، ۷).

مطابق با تحقیقات انجام‌شده، ایجاد فضاهای عمومی معماری به‌عنوان بستری در جهت بهبود ارتباطات و رشد تعاملات اجتماعی افراد از منظر اجتماع‌پذیری است (لنارد سوزان، ۱۳۷۷، ۳۵).

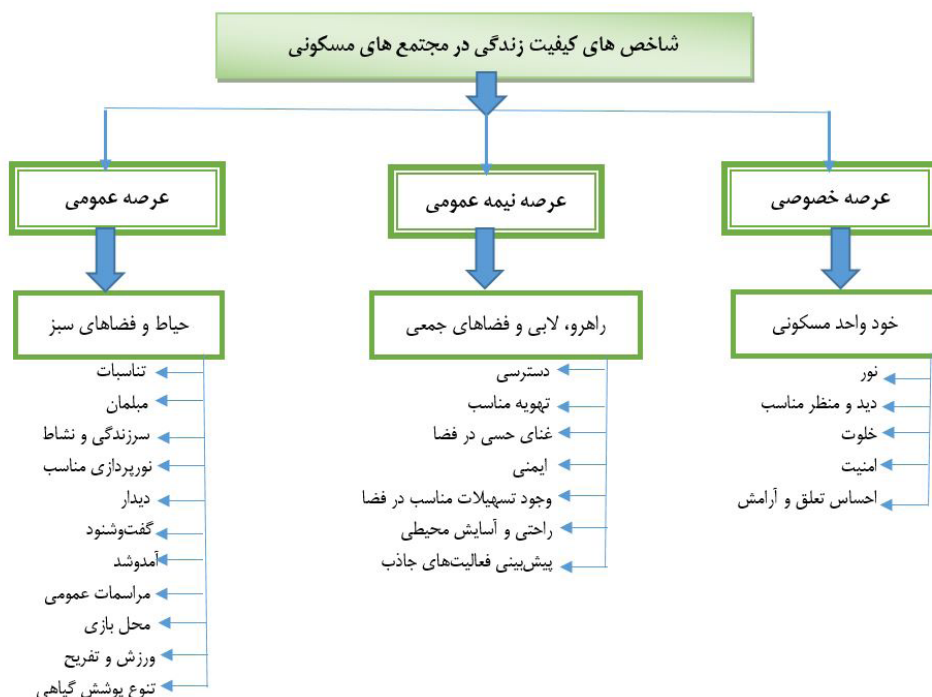
مطالعه لئون فستینگر و همکارانش در مجموعه مسکونی وست گیت در موسسه فن‌آوری ماساچوست که بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم انجام شد، به‌روشنی تأثیر طراحی فضاهای اجتماع‌پذیر را بر تماس‌های اجتماعی مردم نشان می‌دهد (لنگ، ۱۳۹۳، ۱۸۰).

با این تفاسیر می‌توان گفت که اغلب مردم در محیط‌های مسکونی خویش با دیگران آشنا شده، آنها را درک و تجربه می‌نمایند و بدین ترتیب امکان ارزش‌گذاری برایشان فراهم می‌گردد؛ بنابراین تجمع و تحرک از جمله خصوصیات است که به ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر در محیط‌های مسکونی باید مدنظر فرار گیرد (شفیعی، ۱۳۸۰، ۸۳).

درنهایت می‌توان این‌چنین گفت که در مورد اجتماع‌پذیری نظریات مختلف و متفاوتی وجود دارد، اما مطالب گوناگون و علمی پرداخته‌شده به این موضوع، اهمیت آن را به‌عنوان یکی از متغیرهای مکانی تأیید می‌کند.

روش پژوهش

در این پژوهش از دو مرحله جهت شناختن عوامل مؤثر در اجتماع‌پذیری یک محیط مسکونی استفاده شده است. مرحله اول با رویکرد کیفی و به شیوه تحلیلی-توصیفی، مروری بر ادبیات پژوهش شده است و در مرحله دوم به روش کمی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه، به مطالعات میدانی و نمونه‌های موردی که از مجتمع‌های مسکونی شهر همدان انتخاب گردیده‌اند، پرداخته شده است و نتایج حاصل از آن با نرم‌افزارهای SPSS و smartpls تحلیل و آمار توصیفی آن بررسی شده است و در انتها نتایج آنها ارائه شده‌اند.



شکل ۱. شاخصه های اصلی کیفیت زندگی در یک مجتمع مسکونی

(۱۳۹۱، ۹۹).

به طور کلی در تعریفی خلاصه می توان تعامل را ارتباط دوسویه و تعامل اجتماعی را نوعی کنش و واکنش و یا ارتباطات متقابل افراد باهم دانست (گیدنز، ۱۳۸۴ به نقل از شهیدی و فدایی نسب، ۱۳۹۲) که اهمیت آن در انتقال اطلاعات، تبادل نظرات و ارتقاء سطح دانش افراد است و نتیجه آن افزایش سطح فکری افراد خواهد بود و یا باعث اعتلای فرهنگی جامعه می گردد. از طرفی نیز به دلیل اینکه رفتار افراد تحت تأثیر مستقیم ارزش ها و فرهنگ آنان است. لذا می توان نتیجه گرفت که تعاملات اجتماعی در طول زمان، توانایی بهبود رفتار افراد و شرایط زندگی آنها را دارا می باشد و از این منظر است که بایستی این مطلب (توجه به تعاملات اجتماعی) مدنظر مدیران و اندیشمندان حوزه شهرسازی و معماری قرار بگیرد.

تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی

زندگی در یک مجتمع مسکونی پرفت و آمد و شلوغ می تواند خسارت جبران ناپذیری به ارتباطات اجتماعی ساکنین آن وارد آورد. محققان معتقدند که یکی از اثرات منفی ناشی از تراکم جمعیت، کاهش روابط اجتماعی فرد است. همچنین محققان میگویند: عدم توجه به فضای باز در برابر توده ساختمانی، از مشکلات اصلی مجتمع های بلندمرتبه در تأمین مقیاس انسانی، محصوریت فضایی، ترکیب زیباشناسانه و فضای

و مؤلفه های آنها در هر عرصه نشان داده شده اند. به عنوان مثال از شاخص های ارتقای کیفیت زندگی در مجتمع های مسکونی می توان به عرصه خصوصی که شامل خود واحد مسکونی می شود اشاره کرد که در این عرصه، مهم ترین مؤلفه های ارتقای کیفیت زندگی توجه بیشتر به حوزه های نور، دید و منظر، احساس امنیت، خلوت و احساس تعلق خاطر به واحد مسکونی را می توان نام برد (همان، ۴۳).

تعاملات اجتماعی و اجتماع پذیری

بر اساس هرم نیازهای انسانی مازلو احتیاجات افراد به دو گروه تقسیم می شود. دسته نخست نیازهای مادی و جسمانی است که در صورت ارضای این دسته، طیف دیگری از نیازها مطرح می شود که به بعد روحی و روانی زندگی انسان بازمی گردد. بر این اساس یکی از نیازهای فطری انسان ها (از جمله شهروندان) نیاز به برقراری تعاملات و روابط اجتماعی است. بدین ترتیب از تعاملات و روابط اجتماعی هم به عنوان یک نیاز فطری و هم وسیله ای برای ارضای نیازهای دیگر نام برده می شود. به طوری که انسان بدون برقراری روابط اجتماعی قادر به زیستن نیست. هرگاه عملی از شخصی سر زند که با پاسخی از سوی فرد دیگر همراه باشد، اصطلاحاً به این عمل متقابل دوسویه، تعامل اجتماعی یا کنش متقابل اجتماعی گفته می شود. در این صورت میان این دو شخص، یک رابطه اجتماعی برقرار می شود (عباس زاده و تهری،

در ایجاد حس جمعی نقش اساسی را ایفا می‌کنند. البته این فضاها متعلق به تک‌تک ساکنین مجموعه بوده و از این منظر خصوصی تلقی می‌شوند؛ ولی از آنجایی که می‌توانند مورد استفاده تمامی ساکنین نیز قرار بگیرند، حالتی جمعی و عمومی نیز پیدا می‌کنند. علاوه بر آن پلی هستند که دنیای بیرون و درون یک مجتمع مسکونی را به یکدیگر متصل می‌نمایند و فضاهایی قابل دفاع هستند (نیومن، ۱۳۸۷، ۹۵).

فعالیت‌های جمعی در فضاهای عمومی یک مجتمع مسکونی

فعالیت‌های انسان معلول نیازهای اوست. فضاهای عمومی باید به گونه‌ای طراحی شوند که پاسخگوی نیازهای متنوع گروه‌های مختلف اجتماعی در همه رده‌های سنی باشند برقراری رابطه‌ی اجتماعی از ملزومات زندگی جمعی است که یکی از همین نیازها محسوب می‌شود. ارتباط اجتماعی از طریق فعالیت‌های متنوعی در محیط صورت می‌پذیرد که مهم‌ترین آنها به صورت جدول ۱ نمایش داده می‌شوند.

برخی از این فعالیت‌ها در عین ساده بودن، خاص‌تر هستند، مانند راه رفتن، ایستادن و نشستن و همچنین دیدن و گفتگو کردن. این فعالیت‌های پایه به عنوان نقطه شروع در نظر گرفته می‌شوند و در ادامه برای طیف وسیعی از دیگر فعالیت‌ها مانند بازی، ورزش و فعالیت‌های اجتماعی و غیره، بستر رشد و گسترش فراهم می‌کنند.

سبز مناسب است. آپارتمان‌ها به دلیل جدا کردن ساکنین از محیط طبیعی و فضای سبز همیشه مورد انتقاد بوده‌اند. دسترسی ساکنین در طبقات پایین‌تر مجتمع‌های مسکونی به سطح زمین و فضای باز و طبیعی آن به مراتب آسان‌تر از دسترسی افراد به آن در طبقات بالا است. تحقیقات نشان می‌دهند که ساکنین طبقات بالاتر بیشتر احساس محصوریت می‌کنند این جدایی و محصوریت اثرات متعددی بر روان، رفتار و سلامت ساکنین به جای می‌گذارد (کشی و همکاران، ۱۳۹۱، ۳). تمایل به داشتن روابط متقابل و یا ملاقات کردن یکدیگر نیز نیاز پایه‌ای است، به همین علت انسان را حیوان اجتماعی لقب داده‌اند. آنچه مورد توجه ما است و باید مورد توجه قرار گیرد این است که انسانها چگونه و در کجا با یکدیگر ملاقات میکنند. آیا این برخورد در قهوه‌خانه صورت می‌گیرد یا در کوچه و خیابان، در خانه یا حمام و...، زیرا چگونگی برخورد و ملاقات است که بر ساخت و شکل خانه تأثیر می‌گذارد نه صرفاً ملاقات (راپاپورت، ۱۳۸۹، ۱۱۱). معماری باید فضاهایی متمایز برای فعالیت‌های متفاوت فراهم آورد و آنها را به نحوی به هم پیوند دهد که محتوای عاطفی آن، کنش و حیات آدمی در آن فضاها را تقویت کند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷، ۲۰).

فضاهای سبز عمومی هم از دیدگاه تأمین نیازهای زیست‌محیطی افراد و هم از نظر تأمین فضای فراغت و بستر ارتباط و تعامل اجتماعی آنان جایگاهی در خور اهمیت داشته است (سوزنچی، ۱۳۸۳، ۶) و

جدول ۱. فعالیت‌های جمعی موجود در یک مجتمع مسکونی

فعالیت‌های جمعی	
۱	گفت‌و شنود یکی از علایق اساسی افراد، توجه به افراد در محیط است. آنها گاهی اوقات دوست دارند دیدار، گفت‌و شنود، مراسم عمومی و بازی جمعی داشته باشند و مکان‌های بدون مردم افراد را به وحشت می‌اندازد (نوذری و همکاران، ۱۳۸۷، ۴).
۲	دیدار یکی از فعالیت‌های اجتماعی تماس و دیدار بین افراد و گفتگو و تبادل افکار بین آنهاست. در اینجا دیدار به مفهوم ملاقاتی است که از قبل برای آن برنامه‌ریزی شده و پس از انتظار در فضای خاصی صورت می‌گیرد (نسبی، ۱۳۸۴، ۳۳).
۳	آمدوشد وجود دسترسی‌های ساده به فضاهای عمومی در محیط مسکونی موجب جذب افراد و فعالیت‌ها به محیط می‌شود. پیاده‌روی عمده‌ترین آمدوشد در محیط‌های مسکونی است که ضمن به ارمغان آوردن سلامتی و نشاط برای افراد، به فضاهای عمومی یا جمعی در محیط مسکونی جنب‌وجوش و حرکت می‌بخشد و فعالیت‌هایی از قبیل دیدار و گفت‌و شنود را در این فضاها خوشایندتر کرده و مورد استقبال ساکنان قرار می‌گیرد (نوذری و همکاران، ۱۳۸۷، ۴۸).
۴	مراسم عمومی بعضی از مراسم و آداب اجتماعی و مذهبی می‌توانند در فضاهای عمومی صورت گیرند مثل جلسات مشترک ساکنان، جشن‌ها و مراسم مذهبی.
۵	بازی یکی از فعالیت‌های متداول برای اغلب گروه‌های سنی بازی است. این فعالیت از بازی کودکان زیر نظر خانواده در محیط مسکونی آغاز شده و تا بازی افراد بزرگسال در مکان‌های عمومی تر گسترش می‌یابد (نسبی، ۱۳۸۴، ۳۱).
۶	ورزش نوعی فعالیت فیزیکی که بستگی به تمایل فرد، وضعیت جسمانی و هدف نهایی وی از ورزش دارد. طراحی فضاها و امکانات ورزشی باید متناسب با محیط و شرایط آن باشد تا حرکات ساده نرمشی، پیاده‌روی، شطرنج و غیره در آن صورت گیرد.
۷	تفریح هرگونه فعالیتی را که با قصد برطرف کردن نیاز اوقات فراغت صورت می‌گیرد. هر تفریحی در این زمان انجام می‌گیرد ولی همه‌ی اوقات فراغت صرف تفریح نمی‌شود (نوذری و همکاران، ۴۰).

جمع‌بندی مبانی نظری

مانند ایجاد سلسله‌مراتب فضایی و کاشت درختان میوه‌دار در محوطه، حس تعلق و نگهداری در بین ساکنین بیشتر شده و فضای عمومی را جزء قلمرو خود قلمداد می‌کنند. که این امر خود باعث شکل‌گیری مسئولیت‌های مشترک و تعامل بین ساکنین می‌شود. جدول ۲ عوامل و تأثیرات تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری را در یک محیط مسکونی نشان می‌دهد.

بررسی نمونه‌های موردی

در این پژوهش، تنها به بررسی تأثیر شاخصه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی بسنده شده است. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش، از روش پیمایش

در پی حل مشکلات ناشی از افزایش شهرنشینی و روی آوردن به سکونت در مجتمع‌های بزرگ مسکونی باید راه‌حلی جهت تسهیل روابط اجتماعی ساکنین ارائه شود که همان‌طور که از نتایج تحقیق پیداست وجود فضاهای باز عمومی (محوطه‌سازی)، فضاهای نیمه‌باز و فضاهای بسته که سبب افزایش تعاملات اجتماعی به‌عنوان خواستگاه فطری انسان می‌شود یکی از این راه‌حل‌هاست. بنابراین امروزه نیز فضاهای عمومی در مجتمع‌ها باید دارای شرایطی چون تنوع و سرزندگی، فضای صمیمانه و دید مطلوب باشند تا امکان حضور مستمر ساکنین را به همراه داشته باشد. البته در طراحی فضاهای عمومی باید اقلیم نیز در نظر گرفته شود. علاوه بر این با راه‌کارهای طراحی

جدول ۲. عوامل و تأثیرات تعاملات اجتماعی در محیط‌های مسکونی

عوامل اصلی مؤثر بر اجتماع‌پذیری	راهکارها
عوامل فیزیکی	عملکردهای موجود در فضا توجه به تناسبات مقیاس‌های انسانی
بعد کالبدی	ایمنی مسیر توجه به حواس پنج‌گانه انسان تأمین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم خوانایی و قابل پیش‌بینی بودن فضا وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی
فضای اجتماع‌پذیر بعد فعالیتی فضا	میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی: که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمز آلودگی، آموزش، امکان بیان خود، گوناگونی و تضاد، انتخاب، هویت‌یابی، خلوت جویی و دل‌بستگی در فضاست.
ویژگی‌های کالبدی	تعاملات اجتماعی فرصت‌های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تأمل بیشتر در فضا فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل زمین‌بازی، ایستگاه اتوبوس، مکان غذا خوردن و ... ورودی‌های دعوت‌کننده و دسترسی به لحاظ بصری و کالبدی راه‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده تعریف بدنه‌ها هویت جداره‌ها
عوامل معماری و محیطی	پیش‌بینی فعالیت‌های جاذب پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانه آن دسترسی‌ها توده و فضا سیمای شهری محیط‌زیست

پژوهش، این چهار مجتمع با توجه به شرایط و خصوصیات خاص، انتخاب گردیدند. این چهار مجموعه از نظر وسعت و تعداد ساکنین (به‌غیر از مجتمع سعیدیه) تا حدودی مشابه هم هستند. مطابق پرسش‌های میدانی از ساکنین مجموعه‌های مذکور، در هر کدام از آنها تقریباً ۱۲۰۰ نفر سکونت دارند. بنابراین، در این پژوهش، مطابق معیارهای حجم نمونه، به‌گونه‌ای که بتوان از معرف بودن آن اطمینان داشت در هر مجموعه مسکونی ۵۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش هر یک از شاخصه‌های اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی، سؤالات چندگانه و به‌صورت طیف آماده شد که از برآیند سؤالات مربوط به هر بعد، می‌توان میزان پاسخ‌دهی محیطی را در آن وجه به‌صورت کمی مشخص نمود. جدول ۳ و شکل‌های ۲ تا ۵، اطلاعات کلی هر چهار مجتمع را نشان می‌دهد.

استفاده شده است. در اینجا می‌توان طرح‌های مجموعه‌های مسکونی را به سه گونه متفاوت فضای باز میانی، خطی و منفرد به‌گونه‌ای تقسیم نمود که کیفیت محیط بیرونی آنها تفاوت معناداری با یکدیگر داشته باشند (عینی فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۹، ۳۹). در طراحی و ساخت مجموعه‌های مسکونی در شهر همدان و همچنین انتخاب نمونه‌های موردی در این پژوهش، با توجه به توضیح قسمت بالا، سعی شد نمونه‌هایی از هر سه گونه انتخاب شوند و از ویژگی‌های همه آنها استفاده شود. از نمونه‌های گونه محیطی در شهر همدان می‌توان به مجموعه‌های مسکونی امام رضا، سعیدیه و بوعلی اشاره کرد. در تمامی این طرح‌ها، یک فضای باز میانی به‌عنوان هسته مرکزی، شکل‌دهنده سایر بلوک‌ها است و از نمونه طرح‌های خطی در شهر همدان می‌توان به مجموعه‌های مسکونی کاشانی اشاره کرد. با توجه به هدف این

جدول ۳. مشخصات مجتمع‌های مسکونی موردبررسی

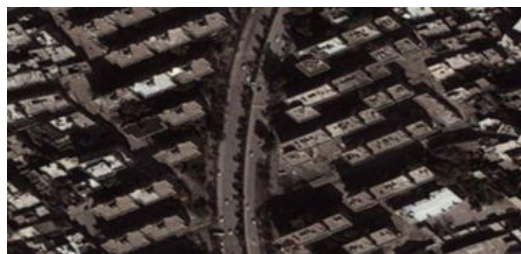
نام مجتمع	محل قرارگیری در شهر	نوع مجتمع	چیدمان بلوک‌ها	تعداد واحد	متوسط تعداد ساکنین
سعیدیه	بالای شهر	دروازه‌دار	پراکنده نواری	۶۰۰	۲۴۰۰ نفر
کاشانی	مرکز شهر	بدون دروازه	خطی	۲۰۰	۸۰۰ نفر
بوعلی	پایین شهر	دروازه‌دار	منفرد و متمرکز	۳۰۰	۱۲۰۰ نفر
امام رضا	پایین شهر	بدون دروازه	فضای باز میانی	۳۰۰	۱۲۰۰ نفر



شکل ۳. دید هوایی از مجتمع سعیدیه (مأخذ: معاونت پژوهش و تحقیقات اداره کل مسکن و شهرسازی استان همدان، ۱۳۸۹)



شکل ۲. دید هوایی از موقعیت مجموعه مسکونی امام رضا (مأخذ: معاونت پژوهش و تحقیقات اداره کل مسکن و شهرسازی استان همدان، ۱۳۸۹)



شکل ۵. چیدمان خطی بلوک‌های کاشانی (مأخذ: معاونت پژوهش و تحقیقات اداره کل مسکن و شهرسازی استان همدان، ۱۳۸۹)



شکل ۴. چیدمان منفرد و متمرکز مجتمع بوعلی (مأخذ: معاونت پژوهش و تحقیقات اداره کل مسکن و شهرسازی استان همدان، ۱۳۸۹)

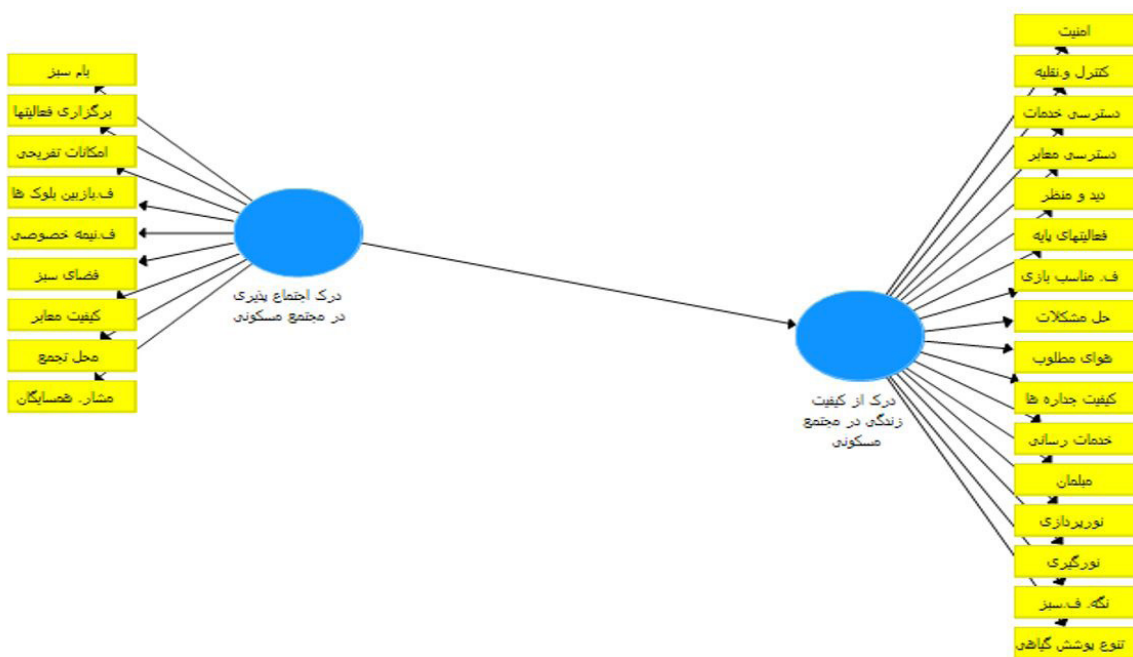
تملیل

تحلیل مدل ساختاری اثرگذاری میزان اجتماع پذیری مجتمع های مسکونی بر کیفیت زندگی ساکنان آنها

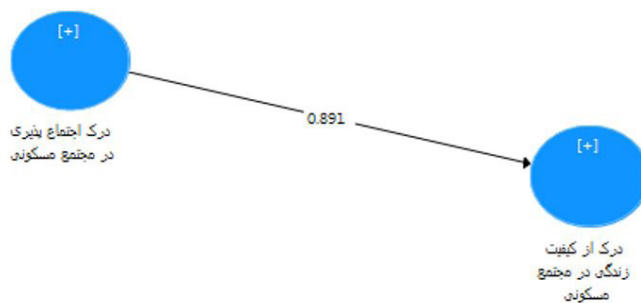
برای بررسی میزان اثرگذاری اجتماع پذیری مجتمع های مسکونی بر کیفیت زندگی ساکنان در روش معادلات ساختاری، دو عامل «اجتماع پذیری» و «کیفیت زندگی» به عنوان عوامل پنهان در نظر گرفته شدند. با توجه به پرسش نامه تحقیق ۱۶ گویه برای سنجش کیفیت زندگی و ۹ گویه از پرسش های پرسش نامه به میزان اجتماع پذیری این ۴ مجتمع اختصاص داده شد (شکل ۶). در معادلات ساختاری محاسبه برازش و یا نکویی مدل بسیار مهم باشد. در واقع برازش مدل روابط پیشنهادی در سراسر مدل را تأیید یا رد می کند. در مدل پژوهش حاضر مقدار AVE برابر ۰/۵۷۹ است که

چون بزرگتر از ۰/۵ است برازش مدل تأیید می شود و مدل مذکور در تحلیل های آماری قابل اعتماد است. همچنین مقدار SRMR مدل نیز ۰/۰۸ است که برای مدل حاضر قابل قبول است. در قدم بعدی مقدار ضریب مسیر اجتماع پذیری به کیفیت زندگی بررسی می شود که مطابق شکل ۷ است.

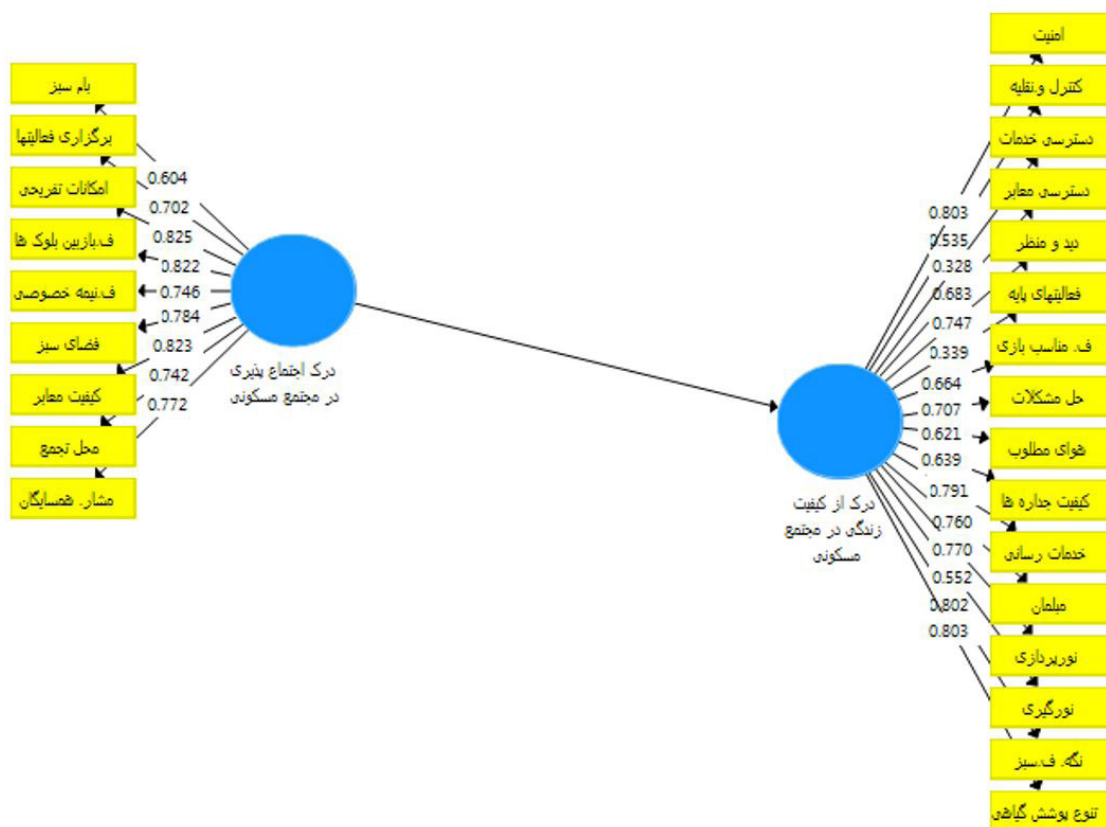
همان طور که مشخص است ضریب مسیر اصلی پژوهش برابر ۰/۸۹۱ است که نشان دهنده رابطه معنادار و بسیار قوی اجتماع-پذیری در مجتمع های مورد مطالعه با کیفیت زندگی ساکنان آنها است. بارهای عاملی هریک از گویه های پژوهش نیز مطابق شکل زیر (شکل ۸) است. در متغیر اجتماع پذیری همان طور که مشاهده می شود بارعاملی همه گویه ها بالاتر از ۰/۴ است و این به معنای اثرگذاری معنادار همه شاخص های مرتبط با اجتماع پذیری است. در متغیر کیفیت زندگی



شکل ۶. مدل ساختاری پژوهش



شکل ۷. ضریب مسیر فرضیه اصلی تحقیق



شکل ۸. بارهای عاملی گویه‌های پنهان در اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی

جهت مقایسه شاخص‌های اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی موردنظر در پرسش‌نامه در هریک از مجتمع‌های مسکونی از طریق واریانس یک‌طرفه میانگین، F و سطح معناداری شاخص‌های به‌دست‌آمده در هریک از این ۴ مجتمع بررسی شده است. نتایج جدول نشان می‌دهد بر اساس سطح معناداری به‌دست‌آمده در شاخص‌هایی که سیگما کوچک‌تر از ۰/۰۵ است نشانگر اختلاف معنادار بین عوامل است، اما در مواردی که سطح معناداری بالاتر از این مقدار به دست آید حاکی از این است که اختلاف معناداری بین ۴ مجتمع در شاخص موردنظر از دیدگاه افراد پاسخگو وجود نداشته است. سپس بر اساس نتایج جدول Homogeneous Subsets به‌دست‌آمده از آزمون آنووا، هریک از ۴ مجتمع بر اساس شاخص موردنظر طبقه‌بندی شده که در گروه‌های A، B، C و D نام‌گذاری شده است و میانگین به‌دست‌آمده برای هریک در جدول ذکر شده است. همان‌طور که مشخص است مجتمع سعیدیه به‌جز در زیر شاخص «دسترسی آسان و راحت به خدمات مورد نیاز ساکنین شامل، سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌ها» در بقیه گویه‌ها رتبه اول را از نظر اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی دارا است. تجمیع رتبه‌ها نیز بیانگر این واقعیت است که مجتمع سعیدیه با ۶۳ امتیاز رتبه اول را در اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی دارا است. این در حالی است که

نیز به‌غیر از دو عامل دسترسی‌ها و فعالیت‌های پایه بار عاملی بقیه شاخص‌ها مناسب است و اثرگذاری آنها بر کیفیت زندگی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی مشهود است.

مقایسه مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه بر مبنای شاخص‌های پژوهش

آزمون "F" یا تحلیل واریانس یک طرفه برای آزمون تفاوت میانگین یک متغیر در بین بیش از دو گروه (۳ گروه و بیشتر) به کار می‌رود. در این آزمون که تعمیم یافته آزمون "T" با دو نمونه مستقل است، مقایسه میانگین‌ها و هم‌فوارگی چند جامعه، راحت‌تر از آزمون "T" است. در آزمون "F"، واریانس کل جامعه به عوامل اولیه آن تجزیه می‌شود که به همین دلیل به آن آزمون آنالیز واریانس (ANOVA) نیز گفته می‌شود. همچنین به کمک این آزمون می‌توانیم مقایسه‌های چندگانه را میان گروه‌ها انجام دهیم. (حبیب پور و صفری، ۵۸، ۱۳۹۱). با توجه به هدف تحقیق حاضر، با استفاده از روش آنوا ۴ مجتمع تجاری «سعیدیه»، «بوعلی»، «کاشانی» و «امام‌رضا» از نظر شاخص‌های اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی مورد مقایسه قرار می‌گیرند مقایسه می‌شوند (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج و مقایسه مجتمع‌های مسکونی موردبررسی

روابط همسایگی و مشارکت ساکنین مجتمع در اداره محیط مسکونی و در راستای افزایش تعاملات اجتماعی	مسائل امنیتی و حفاظتی مجتمع در راستای ایمنی ساکنین	کنترل دسترس وسایل نقلیه و امنیت پیاده	آلودگی هوا در فضاهای نیمه عمومی بلوک مانند راهروها و لابی	مقدار فضای سبز در اطراف بلوک‌ها در جهت اجتماع‌پذیری افراد	امکانات تفریحی در مجاورت بلوک‌ها در راستای جمع شدن اهالی بلوک‌ها	کیفیت فضاهای باز میان بلوک‌ها در جهت جمع شدن همسایه‌ها	کیفیت و دسترسی‌ها در جهت دورهم جمع شدن و نشستن
F=۳۷.۲۹۶ s.g:0/000	F=۶۲.۲۱۹ s.g:0/000	F=۹.۶۶ s.g:0/000	F=۱۹.۸۵۱ s.g:0/000	F=۱۴۷.۶۸ s.g:0/000	F=۵۱.۷۸ s.g:0/000	F=۳۸.۷۴۶ s.g:0/000	F=۲۹.۴۷۵ s.g:0/000
تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A
تیپ A	تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ C	تیپ C	تیپ C	تیپ B
تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ B
تیپ B	تیپ C	تیپ B	تیپ B	تیپ D	تیپ C	تیپ C	تیپ B
امتیاز هر کدام از مجتمع‌ها نسبت به شاخص‌های اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی	میزان صمیمیت همسایگان و میزان حضور پذیری آنان در کنار هم	دسترسی آسان و راحت به خدمات مورد نیاز ساکنین شامل: سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌ها	تنوع پوشش‌های گیاهی و درختان مختلف در اطراف بلوک‌ها	دید و چشم انداز مجتمع در راستای افزایش کیفیت زندگی	آرایش محیط در راستای افزایش ارتباطات بین همسایگان	کیفیت کف‌سازی‌ها، پله‌ها، هویت جداره‌ها و نشانه‌های دیگر در مجتمع	نورگیری طبیعی در واحدهای مسکونی
-	F=۱۱.۵۸۷ s.g:0/000	F=۶۹.۶۷۲ s.g:0/000	F=۲۱۴.۵۱۴ s.g:0/000	F=۳۷.۱۷۶ s.g:0/000	F=۲۲.۵۷ s.g:0/000	F=۱۸.۷۶۵ s.g:0/000	F=۱۶.۷۲۸ s.g:0/000
۶۳	تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A	تیپ A
۴۰	تیپ B	تیپ C	تیپ C	تیپ C	تیپ C	تیپ B	تیپ C
۵۱	تیپ A	تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ B	تیپ A
۴۰	تیپ B	تیپ A	تیپ D	تیپ C	تیپ B	تیپ C	تیپ B

آورده‌اند به‌نوعی کیفیت زندگی افراد را در آن مجتمع ارتقا بخشیده‌اند. از طرفی با نگاهی به عوامل اجتماع‌پذیری می‌توان دریافت عامل امکانات تفریحی در اطراف بلوک‌ها سطح بالاتری از اجتماع‌پذیری را با شدت بیشتری افزایش می‌دهد. این امر می‌تواند به دلیل طراحی‌های داخلی ضعیف در تک‌تک واحدها و یا اندازه کوچک واحدها به‌منظور تفریح و سرگرمی بچه‌ها و والدین باشد که خود موجب تقاضای مقدار بیشتری از امکانات تفریحی در فضاهای باز و نیمه‌باز مجتمع‌های مسکونی را طلب می‌کند. این امر را می‌توان به‌وضوح در مجتمع بوعلی مشاهده کرد چراکه حداکثر زیربنای هر واحد ۶۵ مترمربع است و عملاً هیچ فضایی برای بازی و حرکت بچه‌ها و حضور افراد مختلف در کنار هم وجود ندارد. پس خودبه‌خود عوامل تفریحی در فضاهای مختلف

مجتمع مسکونی کاشانی با ۵۱ امتیاز در جایگاه دوم این رده‌بندی قرار دارد. دو مجتمع مسکونی بوعلی و امام رضا نیز با ۴۰ امتیاز مشترک در رده سوم میزان «اجتماع‌پذیری و کیفیت زندگی» از نظر ادراکات ساکنان آنها قرار دارند.

یافته‌ها

درک اجتماع‌پذیری در مجتمع مسکونی: با توجه به آمارهای استخراج‌شده اثرگذاری اجتماع‌پذیری بر کیفیت زندگی ساکنان در چهار مجتمع مورد مطالعه بسیار قوی شد. به عبارتی مجتمع‌های مسکونی که فضاهایی را برای جذب افراد و دورهم جمع شدن و ایجاد قابلیت‌هایی برای تجمع آنها در یک و یا چند نقطه و محل فراهم

جداره‌ها، میزان خدمات‌رسانی به واحد مسکونی، مبلمان مناسب، نورپردازی مناسب محوطه‌ها و نورگیری طبیعی خودواحد مسکونی تأثیرات نزدیک به هم و متوسطی بر درک از کیفیت زندگی ساکنین داشته‌اند. به عبارتی مجتمع‌های مسکونی که توانسته‌اند عامل‌های ذکر شده را در محیط مسکونی فراهم آورند به نوعی کیفیت زندگی افراد را در آن مجتمع ارتقا بخشیده‌اند. پس باید در طراحی مجتمع‌های مسکونی این عوامل را مدنظر قرارداد. سه عامل تنوع پوشش‌های گیاهی، نحوه نگهداری از فضای سبز و میزان امنیت در مجتمع نیز بیشترین تأثیر را در کیفیت زندگی افراد در مجتمع‌های مسکونی موردبررسی داشته‌اند. در توجیه عوامل مرتبط با تنوع پوشش گیاهی و مراقبت از فضاهای سبز می‌توان بیان کرد که مردم و ساکنان نیاز زیادی به وجود فضاهای سبز در محل موردبررسی دارند که دلایل منفی این امر می‌تواند وجود آلودگی هوای زیاد، ترافیک و ماشینی شدن زندگی در شهر همدان و... باشد و از دلایل مثبت این امر می‌تواند به این اشاره کرد که وجود فضاهای سبز در اطراف بلوک‌ها می‌تواند به دید و منظر مناسب بیانجامد، ایجاد دل‌بستگی به محل بکند، باعث سرزندگی، طراوت و نشاط محیط شود و عوامل دیگر. در بحث میزان امنیت، با توجه به چالش‌های پیش رو در جامعه و وجود جرائم و مسائل امنیتی و حفظ حریم شخصی افراد، ذهنیت افراد نسبت به این عامل و تأثیر آن بر کیفیت زندگی بسیار معنادار شده است که این امر نیز در طراحی‌ها باید لحاظ شود.

۱- نتیجه‌گیری

در یک مجتمع مسکونی، عوامل فیزیکی، عوامل روحی و روانی، فضای سبز، فضای اجتماع‌پذیر، ویژگی‌های کالبدی و عوامل معماری و محیطی میزان رضایت فرد از مجتمع را شکل می‌دهد. همچنین از عوامل تأثیرگذار می‌توان به آرامش، خودمانی بودن و دنج بودن اشاره کرد. با توجه به نتایج تحقیق، به نظر می‌رسد هر قدر میزان احساس رضایت نسبت به یک محیط بیشتر شود، افراد احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت به آن محیط نموده و از بودن در آن محیط احساس آرامش بیشتری می‌کنند و نهایتاً روابط در محیط گرم‌تر و تأثیر محیط بر افراد بیشتر خواهد شد. نتایج تحقیق این نکته را به ما یادآوری می‌کند که با استخراج عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در عرصه‌های یک مجتمع مسکونی مشاهده می‌شود که درون‌گرایی و نوع چیدمان، وسعت فضاهای باز، لحاظ نمودن تمهیدات اقلیمی مناسب، توجه به نورپردازی و مبلمان مناسب و کافی، امنیت، صمیمیت بین همسایگان و سنخیت بین آنها و عوامل دیگر، رابطه مستقیم با افزایش میزان حضور دارند که در واقع بیانگر رابطه مستقیم بین منعطف بودن فضا و

مجتمع بسیار تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری و نتیجتاً ارتقای کیفیت زندگی افراد خواهد بود. عامل دیگری که در بحث اجتماع‌پذیری بسیار تعیین‌کننده است بحث کیفیت معابر است. این عامل می‌تواند با مبلمان مناسب در کنار معابر و تعیین فضاهایی مناسب جهت نشستن و انجام کارهای روزمره ساکنین شکل بگیرد. همچنین از طریق نورپردازی مطلوب معابر، طراحی مناسب جداره‌ها و کف‌سازی می‌توان حرکت را به مکث تبدیل کرده که این مکث خود می‌تواند تبدیل به اجتماع‌پذیری شود و کیفیت زندگی را ارتقا بخشد. آیت‌م بعدی میزان فضاهای بازی بلوک‌ها است که هم‌درجه با کیفیت معابر است. فضاهای باز از طریق ایجاد نظارت اجتماعی از طریق جداره‌ها و همچنین دید و منظر مناسب و حتی طراحی فضاهای مناسب می‌تواند فضاها را اجتماع‌پذیرتر و در گام بعدی کیفیت زندگی افراد را بیشتر کند؛ اما پنج عامل برگزاری فعالیت‌های مختلف، وجود فضاهای نیمه‌خصوصی، مقدار فضای سبز مناسب محل‌های تجمع در مجتمع و میزان مشارکت همسایگان در امور مختلف در راستای اجتماع‌پذیری با توجه به ضرایب آماری، نقش متوسطی در ایجاد اجتماع‌پذیری یا تجمع‌پذیری در مجتمع‌های مسکونی ایجاد کرده‌اند. از این رو، این امر می‌طلبد که در طراحی مجتمع‌های مسکونی فضاهایی را جهت این امور در نظر بگیریم چون این عوامل موجب ارتقای کیفیت زندگی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی خواهد شد. از طرفی عامل وجود بام سبز، کم‌تأثیرترین متغیر را در اثرگذاری اجتماع‌پذیری در مجتمع‌های مسکونی آورده شده است. دلایل این امر را می‌توان به عدم دسترسی و مراجعه غالب افراد یا ساکنین مجتمع‌های مسکونی موردبررسی بوده است که دلیل این امر می‌تواند طراحی نامناسب دسترسی‌ها و روابط فضایی و حتی عدم وجود بام سبز در مجتمع باشد که نیاز است در طراحی‌های این پژوهش لحاظ گردد.

درک از کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی: در مقوله کیفیت زندگی با توجه به آمارهای استخراج‌شده، دو فاکتور دسترسی‌های معابر و میزان فعالیت‌های پایه هیچ تأثیری بر درک از کیفیت زندگی ساکنان نداشته است؛ بنابراین نیاز است در طراحی‌های این پژوهش این موارد لحاظ گردد از جمله، طراحی فضاهایی برای انجام فعالیت‌های پایه چون: ایجاد فضاهایی برای نشستن، پیاده‌روی، انجام تفریحات سالم، دیدن و... و همچنین ایجاد دسترسی‌های مناسب به فضاهایی چون: پارکینگ، محل بازی‌ها، فضاهای سبز و سایر موارد در نظر گرفته شود. مؤلفه‌های زیر شامل:

میزان کنترل وسایل نقلیه، دسترسی به خدمات شهری، دید و منظر مناسب، فضای مناسب برای بازی کودکان، حل مشکلات ساکنین توسط اهالی و همسایگان، میزان هوای مطلوب در مجتمع، کیفیت

- اجتماعی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، ۴، ۹۵-۱۰۴.
۹. عینی فر، علیرضا؛ و قاضی زاده، ندا. (۱۳۸۹). گونه شناسی مجتمع‌های مسکونی تهران با معیار فضای باز. *مجله آرمان شهر*، ۵، ۳۵-۴۵.
۱۰. غیاثوند، الهام. (۱۳۸۸). تأثیر سرمایه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری. *فصلنامه مهندس مشاور*، ۴۵، ۲۲-۲۷.
۱۱. کشفی، محمدعلی؛ فکری، محمود؛ و الماسی، رضا. (۱۳۹۱). نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ پژوهش موردی: برج بین‌المللی تهران. *دو فصلنامه مدیریت شهری*، ۳۰، ۳-۱۸.
۱۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*. (منوچهر صبوری، مترجم). چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
۱۳. لنارد سوزان، کروه‌رست. (۱۳۷۷). طراحی فضای شهری و زندگی اجتماعی. (مجتبی پوررسول، مترجم). *مجله معماری و شهرسازی*، ۴۴ و ۴۵، ۳۵-۲۱.
۱۴. لنگ، جان. (۱۳۹۳). *آفرینش نظریه‌های معماری*. (علیرضا عینی فر، مترجم). چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. حبیب پور، علی؛ و صفری، کیومرث. (۱۳۹۱). فضاهای عمومی شهری جایگاه تعاملات اجتماعی. *شهرداری‌ها*، ۲۶، ۵۶-۶۰.
۱۶. معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۸). *اجتماع‌پذیری فضای معماری*. فصلنامه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۴۰، ۷-۱۶.
۱۷. نسبی، فاطمه. (۱۳۸۴). *مسکن کوچک در مقیاس محله*. تهران: انتشارات دفتر مطالعاتی مبانی برنامه‌ریزی و طراحی محیط مسکونی.
۱۸. نوذری، شعله؛ آذری، مرضیه؛ و فامیل مدبران، فاطمه. (۱۳۸۷). رهنمودهای طراحی فضاهای باز محله‌های مسکونی متناسب با شرایط سالمندان. *نشریه ۳۸۰*. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. ۴-۴۸.
۱۹. معاونت پژوهش و تحقیقات اداره کل مسکن و شهرسازی استان همدان. (۱۳۸۹). *اطلس مطالعات و عکس‌های هوایی بر روی مجتمع‌های مسکونی شهر همدان*. همدان.
۲۰. نیومن، اسکار. (۱۳۸۷). *خلق فضاهای قابل دفاع*. (فائزه رواقی و کاوه صابر، مترجمان). تهران: انتشارات طحان.
- افزایش حضور پذیری است و آن نیز کیفیت زندگی را ارتقا می‌بخشد. در انتها، نتایج این پژوهش بر اساس یافته‌های علمی، ثابت می‌کند که وجود فضاهای اجتماع‌پذیر در مجتمع‌های مسکونی با دارا بودن ویژگی تعاملات اجتماعی، مکمل مهمی در جهت اجتماعی شدن افراد هستند علاوه بر این با ایجاد اجتماع‌پذیری در فضاهای یک مجتمع مسکونی، می‌توان موجب ارتقاء روحیه همبستگی، رشد فردی، ایجاد و بهبود الگوهای رفتاری مناسب و در نتیجه ارتقای کیفیت زندگی ساکنین شد.

۱- فهرست مراجع

۱. چرخچیان، مریم؛ غفاری، الهه؛ و کرباسی، زهرا. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. *مجله باغ نظر*، ۷، ۲۱-۲۸.
۲. حسینی، مرتضی؛ امید، احمد؛ و موشکاف، احسان. (۱۳۸۷). الزامات معماری تأثیرگذار در اجتماع‌پذیری فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی. *دومین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری*. (ص ۱۹-۲۴). تهران، ایران.
۳. راپاپورت، آموس. (۱۳۸۹). *انسان‌شناسی مسکن*. (علی شیوا، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۳). *اندازه شهر*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
۵. سوزنجی، کیانوش. (۱۳۸۳). *فضای سبز بستر تعاملات اجتماعی*. تهران: شهرداری‌ها.
۶. شهیدی، سیدمهدی؛ و فدایی‌نسب، مؤده. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر کالبد فضاهای شهری بر تعاملات اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر سیرجان. *همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری*. مهر ۹۲، (ص ۱۲-۲۵). کرج: ایران.
۷. شفیعی، زهرا. (۱۳۸۰). *بومی‌سازی و پایداری معماری مجتمع‌های مسکونی با بهره‌وری از فضاهای عمومی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی*. هشتمین همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار. اردیبهشت ۸۰، (ص ۸۳). مشهد: ایران.
۸. عباس زاده، شهاب؛ و تمری، سودا. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بهبود کیفیت فضایی پیاده‌راه‌ها به منظور افزایش سطح تعاملات

Analyzing the Role of Community and its Effects on the Quality of Life in Residential Complexes (Case Study: Saeidiyeh, Kashani, Bu Ali and Imam Reza Residential Blocks in the City of Hamedan)

Kamal Gharekhani*, Master of Engineering in Architecture. Islamic Azad university, Hamedan, Iran.

Omid Dejdar, Ph.D. Candidate of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Development, Islamic Azad university, Hamedan, Iran.

Sara Jalalian, Ph.D. Candidate of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Development, Islamic Azad university, Hamedan, Iran.

Abstract

Present research has been done with the purpose of answering an important question: How could we improve the quality of resident's lives by developing assemble able spaces in residential blocks? The necessity of this issue is based on the models presented for human necessary demands. Social connections is one of this necessary factors that have to take place in residential blocks. Research records on present designs shows that shell properties of a residential block space and their features can be effective on their ideality and affect the quality of resident's social life. Therefore assemble able spaces in architecture shall get under study as a base to improve communication and formation social connections of assemble able aspect. In assemble able spaces people tend to link up together and these spaces will use up by almost all sorts of available people who live in milieu, and by this way their sites belong to population personality. In fact assemble able spaces which have routine life origin are multipurpose spaces which provide the required space for plenty activities and are used by users and provide users social coordination. This research aims to find an architectural solution to increase resident's social connections in residential spaces and thereupon improving resident's life quality. In the subject of research method, sources and histories of the subject reviewed and research literature have studied at first and generic factor were studied, then assemble ability in different spaces in residential blocks as the subject specified. To achieve to effective properties in assemble ability and on its process, improving residential blocks life quality, quantitative and thematic research methods have been used. In this instance cases Sa'eedieh, Kashani, Bu-Ali, and Imam Reza residential blocks which all four cases located in Hamedan- Iran were chosen. To study the aforementioned cases, indices test questionnaire administrated and adjusted and by using KUKRAN test, the statistic population specified and dispensed between residential blocks' citizens and after perusing and comings, obtained data imported in computer and by using SPSS and SmartPlus have been analyzed and indices analyze results have been presented. Research findings show that to improve and promote life quality and urban spaces quantity specially in residential spaces, and changing people's minds about home, one of the basic guidelines to resolve this important matter, is designing based on social characteristic and cultural principals and standards, including neighborhood and assemble able stations. On the base which have narrated a residential lap divided into four aspects including activity and cultural aspect, welfare aspect, social aspect and shell aspect which each one of them has its different factors, should observe on residential spaces design. In general, conclusion of this research points to two principals about determination of programming and designing principals to programming and treating subbases, designs and suggestions based on user's demands and will. The findings demonstrate that there exist a constellation of factors of physical, mental and psychological nature, green spaces, defined physical characteristics, and a set of architectural and environmental factors which determines the people's contentment.

Keywords: Residential complex, Social interaction, Socialization, Quality of life.

* Corresponding Author: Email: Kamal.gharekhani@gmail.com